

شاخص‌های مطلوب سبک زندگی کارگزاران نظام مردم‌سالار دینی ایران

ابراهیم برزگر* - حسین امانلو**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۸)

چکیده

کارگزاران به‌عنوان رهبران جامعه، بالاترین تأثیر را در ساخت جامعه برای نیل به تمدن اسلامی دارند. این نوشتار به دنبال بررسی سبک زندگی کارگزاران و ارائه الگوی مناسب است. پرسش این است که شاخص‌های مطلوب سبک زندگی کارگزاران در نظام مردم‌سالار دینی چیست؟ و با چه الگویی می‌توان به سبک زندگی مطلوب در نظام مردم‌سالار دینی دست یافت؟ فرضیه تحقیق بر اساس ابعاد، اعتقاد سیاسی، اخلاق سیاسی و رفتار سیاسی با مؤلفه‌های ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت، در قالب شاخص‌های مردم‌گرایی، خدمت‌گزاری، ساده‌زیستی، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و مهرورزی تعریف می‌شود.

روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی و تفسیری است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سه لایه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارها، قدرت ترسیم الگو را دارد. این ابعاد، با ایجاد ارتباطات چهارگانه با خدا، با خود، با دیگران و طبیعت، سازه سبک زندگی رهبران نظام اسلامی را رقم می‌زند. با برقراری این ارتباطات سبدهای خالی برای شاخص‌ها تعریف و آنگاه این سبدهای خالی، از متن نهج‌البلاغه و سیره حضرت علی (ع) استخراج و شاخص‌های سبک زندگی کارگزاران تکمیل شده است. به دلیل گستردگی کار، جستجو به نهج‌البلاغه محدود شده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، کارگزاران، مردم‌سالاری دینی، اعتقادات، ارزش‌ها و

رفتارها

بیان مسئله

تأثیر تمدن غربی بر سبک زندگی مسلمانان و جامعه ایران بسیار جدی است تا حدی که به صورت الگوهای نسبتاً ثابت و عادات روزمره درآمده است. گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن، استفاده روزافزون از پدیده فضای مجازی، جهانی شدن و علوم انسانی غربی وارداتی، نگرش ایرانیان را به سمت الگوهای غربی سوق داده و باعث تغییراتی در سبک زندگی جامعه ایرانی و کارگزاران شده است. این در حالی است که اسلام دارای برنامه و روش برای زندگی است. اصلاح سبک زندگی عموم مردم به‌ویژه کارگزاران یکی از الزامات پیشرفت و تمدن‌سازی اسلامی است.

در نظام‌های غربی حاکمان بر اساس محاسبات مادی و حزبی مسئولیت جامعه را به عهده می‌گیرند؛ اما در نظام توحیدی کارگزاران باید شرایط و ضوابط خاصی برای حاکم شدن در جامعه اسلامی و مدیریت آن داشته باشند تا بتوانند جامعه و انسان‌ها را به رشد و تعالی برای حیات جاویدان برسانند. رفتار یک مسئول در نظام اسلامی باید با سایر نظام‌های سیاسی متفاوت باشد. بر اساس نقل معروف «الناس بامرائهم اشیه منهم بابائهم»، که مردم را به حاکمان نسبت به پدرانشان، شبیه‌تر می‌داند، رفتار یک مسئول در نظام اسلامی باید طوری باشد که مردم او را الگوی خود قرار بدهند. رفتار و سبک زندگی رهبران و کارگزاران یک جامعه می‌تواند بیانگر سبک زندگی جامعه خود نیز باشد. مسئله این است که سبک زندگی کارگزاران نظام مردم‌سالاری دینی مطابق با الگوی عملی مطلوب دینی است یا خیر؟ این الگو چه ویژگی‌هایی دارد؟

هدف این نوشتار ارائه الگو و شاخص‌های سبک زندگی کارگزاران نظام مردم‌سالار دینی ایران مبتنی بر سیاست اسلامی است. استخراج شاخص‌های مطلوب سبک زندگی و کاربست آن در سبک زندگی کارگزاران، مسئله‌ای اساسی و مورد نیاز است که علاوه بر تأثیر در سبک زندگی عمومی جامعه و اصلاح آن، می‌تواند بستر مناسب پیشرفت و تمدن‌سازی باشد.

پرسش این است که شاخص‌های مطلوب سبک زندگی کارگزاران نظام مردم‌سالاری دینی کدامند؟

فرضیه تحقیق بر اساس ابعاد سه‌گانه سبک زندگی کارگزاران شامل، اعتقادات سیاسی، اخلاق سیاسی و رفتار سیاسی و مؤلفه‌های مربوط به هر کدام شامل ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت بیان می‌شود. مردم‌گرایی، خدمت‌گزاری، ساده‌زیستی، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و مهرورزی از جمله شاخص‌های اصلی سبک زندگی کارگزاران است.

روش‌شناسی

شاخص‌های سبک زندگی کارگزاران به روش تحلیل محتوای کیفی و تفسیری از متن

نهج‌البلاغه و سیره حضرت علی (ع) استخراج شده است. تحلیل محتوا یک روش اکتشافی است که بر خلاف روش قیاسی، چارچوب تحلیل در آن مشخص نشده است، بلکه با تکیه به متن و متغیرهای درونی متن، محقق به دنبال کشف معنای اصلی پیام است. تفسیر رهیافتی برای فهم چگونگی کشف زندگی در اعمال و آثار است (منوچهری، ۱۳۹۰: ۵۲) و برای روشن کردن یک موضوع و فعالیتی معطوف به فهم است که به جای مشاهده به تجربه درونی توجه دارد (منوچهری، ۱۳۹۰: ۵۶).

مباحث نظری: سبک زندگی

سبک زندگی^۱، روش‌های زندگی را نشان داده به معنای روش خاص زندگی و فعالیت یک شخص یا گروه آمده است (Oxford Advanced, "Life Style", 2006). تعاریف سبک زندگی در سه رویکرد اساسی قابل بحث است. ۱- رویکرد جامعه‌شناسانه که سبک زندگی را از جنس رفتار دانسته و ارزش‌ها و نگرش‌ها را کنار می‌گذارد.

در این دیدگاه، سبک زندگی چارچوبی منظم از رفتارهای جمعی و فردی است که در عرصه‌هایی خاص از زندگی به صورت نمادین ظهور می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۰) و بر محورهای مصرف، اصول اخلاقی، ارزشی و زیباشناختی انسجام می‌یابد (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۳) و مستلزم انتخاب از میان عناصر متنوع در دنیای جدید و مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۱). این انتخاب بر محور مصرف و در محدوده ساختار طبقه و گروه منزلتی است (زیمل، ۱۳۸۲: ۵۶) و گروه‌های منزلت با توجه به اصول مصرف خود از محصولات طبقه‌بندی شده، که منجر به هویت بخشی به افراد، طبقات و گروه‌های منزلتی شده و وحدت و تمایز را به همراه دارد سبک خاصی از زندگی را نشان می‌دهند (Weber, 1946:193).

سبک زندگی مجموعه منسجم از رفتارها و فعالیت‌های یک فرد در جریان زندگی روزمره مثل شیوه پوشش، معماری، اوقات فراغت، تغذیه و نوع مناسبات اجتماعی و فرهنگی است (فیروز جاه و سهرابی، ۱۳۹۲: ۲۴) و دو مفهوم دارد: ۱- سبک زندگی شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است. ۲- سبک زندگی جایگزین طبقه اجتماعی است. در این معنا سبک زندگی، در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶). ۲- رویکرد فرهنگی سبک زندگی را عنصری متکثر و نامنسجم می‌داند و به شیوه زمانی و تاریخی تحلیل می‌کند.

این تعاریف، نگاهی نمادین به سبک زندگی دارد؛ یعنی مردم در زندگی خود چه می‌پوشند، چه می‌خورند، اوقات فراغتشان را چگونه می‌گذرانند و چه معنایی از چیزهای مورد استفاده خود افاده می‌کنند. مایلز مطالعات فرهنگی را به نحوه تماشای تلویزیون و استفاده از غذای آماده و اموراتی از این قبیل تعریف می‌کند (Miles, 1998:11).

ژان بودریار^۱ می‌گوید: نابودی کالاها منبع ارزش نمادین جامعه به حساب آمده و سبک زندگی را نشان می‌دهد. از رهگذر مصرف چیزهای اضافی و زاید است که فرد احساس وجود و زندگی می‌کند (بودریار، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۹).

جان استوری^۲ نقش مصرف را در ایدئولوژی حاکم بر آن می‌داند. ایدئولوژی مصرف چنین القاء می‌کند که معنای زندگی را در آنچه مصرف می‌کنیم باید جست، نه در آنچه تولید می‌کنیم (استوری، ۱۳۸۹: ۲۶۵).

۳- رویکرد روان‌شناسانه که توجه به هدف زندگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها را مولد سبک زندگی می‌داند. آدلر^۳ سبک زندگی را چنین تعریف می‌کند: دنیایی که انسان در آن زندگی می‌کند سبک زندگی او را می‌سازد. زندگی انسان هم به محیط اطراف او و میزان تأثیرپذیری از آن و هم به هدف و تفسیر او از دنیای خود برمی‌گردد که در امتداد رفتار کودک اوست (Adler, 1929: 44). «هدف (زندگی) همواره در پس‌زمینه روان کودک از روزهای اولیه تولد، رشد روانی او را هدایت می‌کند. این هدف به زندگی او شکل داده و تمام حرکات او به سوی هدف منحصربه‌فرد هدایت می‌شود» (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۱۴). سبک زندگی، در تجربه ما، در اولین سال‌های دوران کودکی توسعه می‌یابد. این تجربه حالت ذاتی در انسان ایجاد می‌کند که بیشترین اثرگذاری را در زندگی او دارد (Adler, 1956: 186).

با تأمل و نقد ادبیات موجود، متوجه تکثر معنی و دیدگاه‌هایی هستیم که اولاً از جنبه توصیفی و تبیینی به مسئله پرداخته و ثانیاً فاقد انسجام لازم برای ارائه تعریف واحد هستند، تا جایی که سوئل تصریح می‌کند: «تقریباً هیچ توافق تجربی یا مفهومی درباره اینکه چه چیز سازنده سبک زندگی است، وجود ندارد» (Sobel, 1987: 2).

مفهوم Life Style با مصادیق مد، اوقات فراغت، مصرف، اقتصاد، رقابت، تکثر و تنوع، خودنمایی و رفتارهای متظاهرانه نمایان می‌شود. از طریق نمادها شناخته می‌شود که بیانگر ترجیح و انتخاب رفتارها است. بریک می‌گوید: سبک زندگی ریشه در چیزی به نام «نمادگرایی ظاهر» Symbolism of Appearance دارد (Brake, 1980:14).

1. Jean Baudrillard
2. John Storey
3. Adler

رویکرد جامعه‌شناسی و فرهنگی به دلیل رویکرد توصیفی و تبیینی و عدم تناسب با مباحث نوشتار رد می‌شود و تعریف روان‌شناسانه آدلر به علت توجه به هدف، ارزش و هنجار در زندگی با جنبه‌های ذیل مبنای بحث است.

۱- ریشه درخت سبک زندگی بر اساس وراثت و دوران کودکی، سلامت و ظاهر فرد، وضعیت اقتصادی، شکل خانواده و وضعیت جنسیتی فرد شکل می‌گیرد (برای مطالعه نک: جواهرساز، ۱۳۷۹ و کاویانی، ۱۳۹۱: ۹۲-۸۸).

۲- تنه و ساقه درخت سبک زندگی نگرش کلی حاکم بر زندگی است؛ یعنی نگرش فرد نسبت به زندگی که در نحوه نگرش به فرد، به مشکلات، به دیگران، به جنس مخالف و به زندگی تداعی می‌شود (کاویانی، ۱۳۹۱: ۹۳).

۳- شاخه و سرشاخه‌های سبک زندگی با عنوان وظایف زندگی که در سه بعد: روحیه اجتماعی و مشارکت، زندگی عشقی یا جنسی و کار و شغل صورت می‌گیرد (برای مطالعه نک: آدلر، ۱۳۶۱: ۷۶-۷۵).

تحلیل نظریه آدلر

رویکرد فردی و الگوی روان‌شناختی به خاطر اولویت دادن به مباحث کارگزاری به جای ساختارها که عمدتاً در جامعه‌شناسی مطرح است مبنای نظری بحث قرار می‌گیرد. در این دیدگاه که مشابهت‌هایی با تعریف سبک زندگی در دیدگاه اسلامی دارد سبک زندگی را به‌عنوان ارزش‌ها، نگرش‌ها و ذهنیت‌هایی مطرح می‌کند که در سایه هدف زندگی جریان پیدا می‌کند. این امر در اسلام در قالب تفسیر و هدف زندگی و توجه به نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها تبیین می‌شود. این مشابهت‌ها در کنار تفاوت‌هایی که با نظریه اسلام دارد به‌عنوان چارچوب بحث انتخاب و با تجزیه و تحلیل دیدگاه آدلر، الگوی تحقیق شکل گرفت.

۱- در دیدگاه آدلر مبنای شکل‌گیری و تکامل سبک زندگی، اجتماع است درحالی‌که در اسلام ضمن توجه به ساخته شدن فرد در اجتماع، هر دو بعد فردی و اجتماعی مدنظر است.

۲- آدلر در تبیین سبک زندگی جزء را به نفع کل‌نگری رد می‌کند؛ اما در نظریه اسلامی، کلیت زندگی تابعی از هدف‌های بخشی بوده و اجزاء نیز به‌اندازه کل، مورد توجه است و هیچ‌وقت یکی فدای دیگری نمی‌شود.

۳- آدلر معتقد است ریشه سبک زندگی در پنج سال اولیه زندگی متمرکز و در اجتماع شکل می‌گیرد. ولی در اسلام در تمام دوران زندگی از قبل از تولد تا مرگ تداوم دارد و محدود به پنج سال اول زندگی نمی‌شود.

۴- تنه درخت سبک زندگی آدلر بر پایه نگرش کلی حاکم بر زندگی است. بر مبنای نگرش به خود، به مشکلات، دیگران، به جنس دیگری و به زندگی تبلور می‌یابد (کاوایانی، ۱۳۹۱: ۹۳). این مرحله در اسلام بر اساس گرایش‌ها و ارزش‌های اخلاقی و باید و نیایدهایی است که موجب توجه بیشتر فرد به خود، دیگران و زندگی می‌شود.

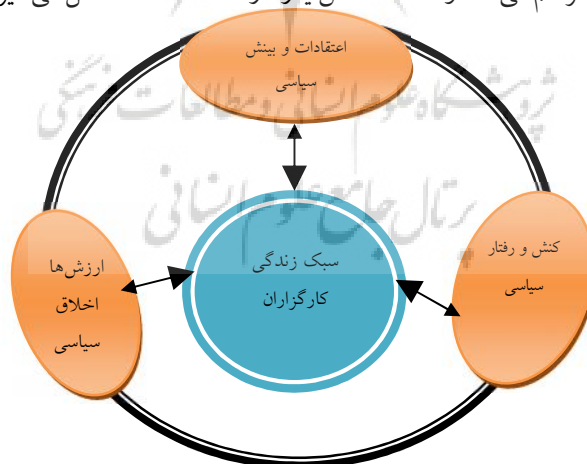
۵- شاخه درخت آدلری بر مبنای سه وظیفه: شغلی، اجتماعی و عشقی سنجیده می‌شود؛ اما در اسلام بر اساس اعتقادات و ارزش‌های اسلامی در چهار عرصه معامله با خدا، با نفس، با دیگران و با طبیعت صورت‌بندی می‌شود.

۶- غایت‌مندی و داشتن هدف در نظریه آدلر شامل هرگونه اهداف خیالی و واقعی بوده و معیار سبک زندگی تلقی می‌شود اما در اسلام هدف زندگی بر پایه نگاه انسان به جهان هستی و انسان ترسیم می‌شود.

۷- نگاه آدلر به سبک زندگی بر اساس واقعیت‌ها و هست‌های زندگی است و آنچه بود و نمود دارد، درحالی‌که در اسلام بر اساس باید و نیایدها، آرمان و ارزش‌های غایی فرد معیار‌گذاری می‌شود.

الگوی تحلیل

تعالیم و آموزه‌های سیاسی اسلام بر اساس اعتقاد سیاسی، اخلاق سیاسی و وظایف عملی (عبادات) در سیاست سنجیده می‌شود. ساحت (Field) بینش و شناخت (Cognitive) سیاسی که نگرش، باور و جهان‌بینی سیاسی را شامل می‌شود و ساحت ارزش یا گرایش (Emotional) سیاسی که شامل هیجان‌ها، عواطف و خلیات سیاسی هست، زمینه بروز رفتار و الگوهای عملی بر اساس فقه سیاسی اسلام را فراهم می‌کند و ساحت کنش یا رفتار (Behavioral) شکل می‌گیرد.

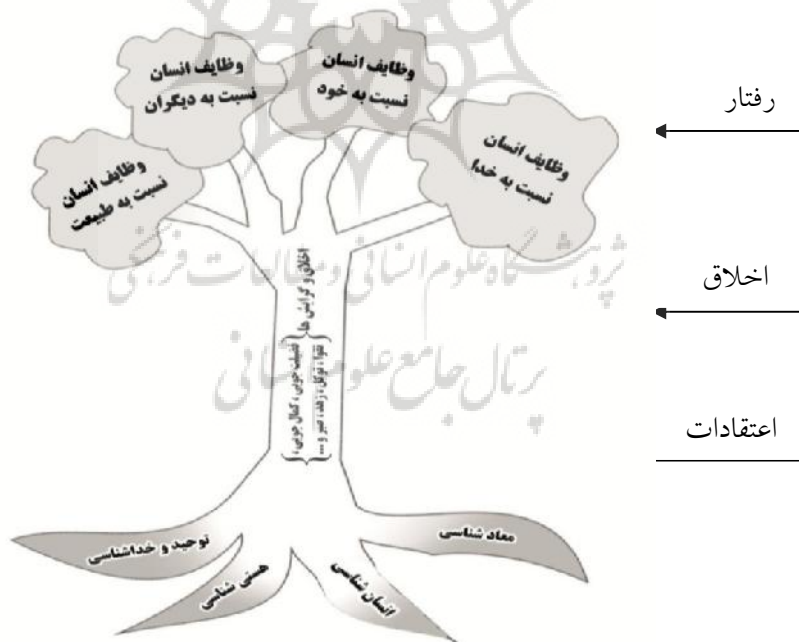


نمودار شماره ۱- ابعاد سبک زندگی

اصول کافی، بر مبنای این ساختار به تدوین روایات و احادیث پرداخته است؛ جلد اول به اصول دین، جلد دوم به دستورات اخلاقی و جلدهای بعدی به فروع دین و فقه اختصاص یافته است (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۶).

شهید مطهری تعالیم اسلامی را در سه بخش بیان می‌نماید: ۱- معارف و اعتقادات که هدف از آن‌ها شناخت ایمان و اعتقاد است که به قلب، دل و فکر مربوط است؛ مانند مسائل مربوط به مبدأ، معاد، نبوت، ملائکه و امامت. ۲- اخلاقیات و امور تربیتی که هدف آن خصلت‌های روحی انسان و چگونگی بود یا نبود آن‌هاست؛ مانند، تقوا، عدالت و شجاعت، جود و سخا، صبر و رضا و استقامت. ۳- احکام عملی، یعنی انسان در خارج عمل خاصی انجام دهد و یا عملی که انجام می‌دهد چگونه باید باشد یا نباشد؛ به عبارت دیگر قوانین موضوعه را می‌گویند از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، اجاره، نکاح (مطهری، ۱۳۷۶- ب: ۶۹-۷۰؛ ۱۳۷۷- ب: ۱۵-۱۶). به دیگر سخن: «اسلام نظامی از اعتقادات، احکام و عبادات و ارزش‌های اخلاقی است که فرد را به خالق پیوند می‌دهد» (الطایی، ۱۳۷۸: ۷۵). بر این اساس درخت سبک زندگی اسلامی چنین ترسیم می‌شود.

نمودار شماره ۲- درخت سبک زندگی در اسلام



الف- سیاست، اعتقادات و سبک زندگی

منظور از نظام بینش، مجموعه منسجم شناخت و باورهاست که شالوده فعالیت بشر را در گستره اندیشه شکل می‌دهد و در مورد جهان، انسان، زندگی و رابطه انسان با طبیعت و ماوراءالطبیعه سخن می‌گوید (کاشفی، ۱۳۸۷: ۲۷).

دین اسلام که نظام تفسیر معنا و تجویز رفتار است از چند جهت به زندگی شیوه ارائه می‌نماید: ۱- ارائه تفسیر روشن از حیات انسانی و ایجاد معنا برای زندگی؛ ۲- رهایی انسان از بلا تکلیفی در شرایط دشوار و ارائه الگو برای انسان در مناسبات معرفتی با دیگران؛ ۳- طراحی نظامی از مسئولیت‌ها و وظایف برای مواجهه با نیازهای انسان در زندگی؛ ۴- تنظیم رابطه انسان با خدا و ماوراءالطبیعه برای شناخت عرصه‌های فراطبیعی و انسانی؛ ۵- ارائه نظامی برای هدفمند کردن زندگی با پاسخگویی به شبهات مرگ و زندگی پس از مرگ و ۶- تفسیر تجربه‌های دینی (رجبی نیا، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

پرسش از چیستی و فرآیند زندگی (Life Process)، برآمده از ماهیت و نحوه وجودی آدمی و هستی و آنگاه در مدار هم قرار گرفتن این دو جوهر است (فیضی، ۱۳۸۸: ۱۲).

ب- سیاست، اخلاق و سبک زندگی

نظام اخلاق در قالب ارزش‌ها، اخلاق، حقوق، خوب و بد و مطلوب و نامطلوب قرار دارد و به انسان‌ها می‌آموزد که درباره خویشتن و دیگران به چه چیزهایی اهتمام داشته و از چه چیزی پرهیز نمایند (کاشفی، ۱۳۸۷: ۲۷).

اخلاق در سبک زندگی راهبرد و چارچوب رفتار و تفکر انسان است. ملا احمد نراقی در معراج السعاده، می‌گوید: «ثمره تهذیب اخلاق رسیدن به خیر و سعادت ابدی است و باید دانست که سعادت مطلق حاصل نمی‌شود مگر اینکه صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق ذمیمه خالی و به تمام اوصاف حسنه آراسته باشد» (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۲). گسترش هنجارها و قواعد اخلاقی سبک زندگی جامعه را تنظیم و به‌عنوان معیار زندگی افراد و گروه‌ها درمی‌آید.

ج- سیاست، فقه و سبک زندگی

سومین رکن آموزه‌های سیاسی اسلام، احکام و فقه سیاسی است. پس از درک ارزش‌های ناب اسلامی، انتظار این است که مطلوبیت این رفتارها از سوی افراد درک و برای نهادینه‌سازی سبک زندگی مؤمنانه ترویج شود.

عبادات مجموعه‌ای از رفتارهایی است که در فرهنگ اسلامی با عنوان فروع دین یاد

می‌شود و در کنار مجموعه اعتقادی اصول دین، ناظر بر جنبه‌های عملی دیانت اسلامی است (رجبی نیا، ۱۳۹۱: ۳۲۲).

مشهورترین نقل در بعد رفتاری سبک زندگی حدیثی از امام صادق (ع) در مصباح الشریعه است. ایشان چهار نوع تعامل در زندگی را طرح می‌فرماید: «أُصُولُ الْمُعَامَلَاتِ، تَقَعُ عَلَيَّ أَرْبَعَةٌ أَوْجَهٍ: مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَمُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَمُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَمُعَامَلَةُ الدُّنْيَا»؛ «اصول معاملات، بر چهار وجه است: معامله با خدا، با خود، با مردم و با دنیا».

«أُصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ، فَسَبَعُهُ أَشْيَاءٌ: أَدَاءُ حَقِّهِ وَحِفْظُ حُدُودِهِ وَشُكْرُ عَطَائِهِ وَالرِّضَا بِقَضَائِهِ وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَتَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَالشُّوقُ إِلَيْهِ. اصول معامله‌الله، هفت چیز است: ادای حق پروردگار، حفظ و مراقبت از حدود الهی، شکر نعمت‌های خدا، راضی شدن به قضای او، صبر و شکیبایی بر ابتلائاتش، احترام و تعظیم او و شوق و علاقه به او».

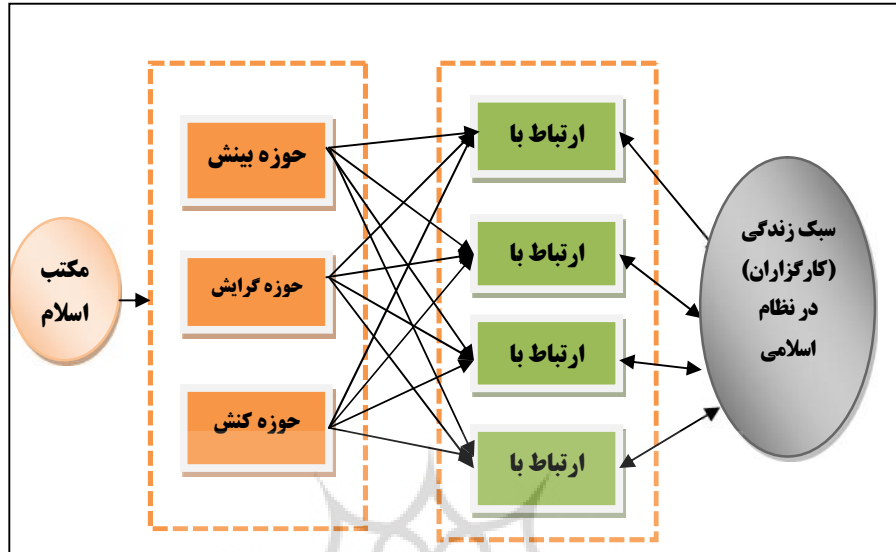
«أُصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ، سَبَعَةٌ: الْخَوْفُ وَالْجَهْدُ وَحَمْلُ الْأَذَى وَالرِّيَاضَةُ وَطَلَبُ الصِّدْقِ وَالْإِخْلَاصُ وَإِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْجُوبِهَا وَرَبْطُهَا فِي الْفَقْرِ. اصول معامله با نفس، هفت چیز است: ترس و خوف، مجاهدت و کوشش، تحمل ناراحتی‌ها، صدق و راستی، خلوص نیت، نگه‌داشتن نفس از هوی و خواستنی‌ها و ادراک و آشنا شدن با فقر».

«وَأُصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ، سَبَعَةٌ: الْحِلْمُ وَالْعَفْوُ وَالتَّوَاضُّعُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّفَقَةُ وَالنُّصْحُ وَالْعَدْلُ وَالْإِنْصَافُ»؛ «اصول معامله با مردم هفت چیز است: حلم و بردباری، عفو و درگذشتن از خطاها، فروتنی و دوری از تکبر، سخاوت و کرم، مهربانی و عطف، خیرخواهی، عدل و انصاف».

«وَأُصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا، سَبَعَةٌ: الرِّضَا بِالذُّونِ، وَالْإِثَارُ بِالْمَوْجُودِ، وَتَرْكُ طَلَبِ الْمَقْشُودِ، وَبُغْضُ الْكَثْرَةِ، وَاخْتِيَارُ الزُّهْدِ، وَمَعْرِفَةُ آفَاتِهَا، وَرَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرَّئِيسَةِ»؛ «اصول معامله با دنیا نیز هفت چیز است: راضی بودن به کم، ایثار و گذشتن از داشته‌های خود، عدم طلب نداشته‌ها و از دست‌رفته‌ها، میغوض داشتن دارایی زیاد، انتخاب روش زهد و بی‌رغبتی به دنیا، شناخت آفات آن، و ترک شهوات دنیوی با ترک ریاست».

«فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، فَهِيَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَعِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَوْلِيَاءِهِ حَقًّا»؛ «این خصوصیات در یک نفر حاصل شود از خاصان و بندگان مقرب خدا و اولیاء بر حق اوست» (مصباح الشریعه، ۱۳۶۱: ۳-۹).

نمودار شماره ۳- دستگاه معنی‌شناختی سبک زندگی در اسلام

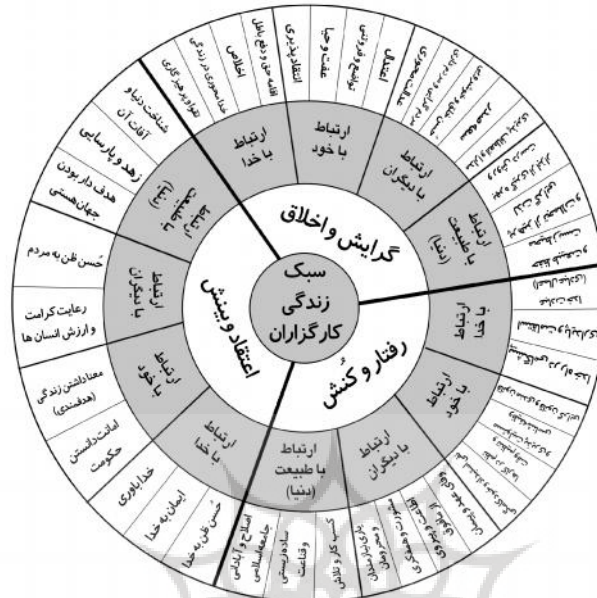


مؤلفه‌ها

ابعاد سبک زندگی اسلامی عبارت است از: منطق رفتاری ثابت بر اساس ترجیحات و انتخاب‌های فردی مبتنی بر عقاید و ارزش‌های اسلامی که رفتار فرد را شکل داده و او را در راه رسیدن به کمال و سعادت انسانی یاری می‌رساند.

بر این اساس مدل مفهومی سبک زندگی ترسیم می‌شود. در این مدل، محورهای اعتقادی/شناختی، اخلاقی/گرایشی و رفتاری/کنشی، به‌عنوان ابعاد اصلی در نظر گرفته می‌شود. این ابعاد سه‌گانه در قالب چهار مؤلفه عینی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. هرکدام از این مؤلفه‌ها نیز با چند شاخص عینی بررسی می‌شود. شاخصه‌های سبک زندگی (دایره آخر) از متن نهج‌البلاغه به‌عنوان اسلام حق شخصیتی و نمونه مطلوب نظری کارگزاران و سیره حضرت علی (ع) به‌عنوان نمونه مطلوب عملی کارگزاران استخراج شده است.

نمودار شماره ۴- مدل مفهومی سبک زندگی کارگزاران



مدل مفهومی سبک زندگی کارگزاران در نظام مردم‌سالاری دینی ایران

مفهوم کارگزار

کارگزار نظام اسلامی نماینده حاکم اسلامی است که مسئولیت‌هایی را از طرف وی در امور اجتماعی، سیاسی و نظامی عهده‌دار می‌شود؛ از این رو باید مورد اطمینان حاکم اسلامی باشد. کسی که در دولت اسلامی مسئولیت خطیر به عهده داشته، از سوی حکومت و مردم برگزیده می‌شود. کارگزاران نظام مردم‌سالاری دینی ایران شامل: سطوح رؤسای قوای سه‌گانه، وزراء و معاونین وزراء، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان نیروهای نظامی، استانداران و غیره در طول ۳۶ سال گذشته است. در نظام اسلامی وظایف امام در زمان غیبت کبرا به ولی فقیه به‌عنوان نایب امام تفویض و اگذار می‌شود که نخبه‌ترین فرد و شایسته‌ترین شخص برای اداره جامعه است. اسلام و مبانی دینی به‌مثابه ساخت این نظام است که در قانون اساسی و قوانین جاری در کشور باید پیاده شود. برای اجرای دستورات و تعالیم دینی در نظام مردم‌سالاری دینی و پاسخگویی به نیازهای مردم، اداره جامعه و ارائه سبک زندگی اسلامی به مردم، سیستم و ساختار مشخص و خاصی با ترکیب قوای

سه گانه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و قوای مسلح برای ساخت فوق طراحی شده است.

شاخص‌های سبک زندگی کارگزاران

حضرت امام علی(ع) درباره همه شئون زندگی سخن گفته و خصوصاً در فرمان به مالک اشتر، وظایف همه افراد بشر را در پست‌های مختلف از فرمانروا، قاضی، کارگر و کشاورز گرفته تا وظیفه والی و مردم نسبت به هم بیان فرموده است؛ بنابراین سیاست آن عین دیانت، حکومت آن کلید اجرای شریعت و والی آن مفسر نظام شناخته شده است (قربانی، ۱۳۸۶: ۷۶). در این نوشتار تمرکز اصلی بر استخراج شاخص‌های سبک زندگی کارگزاران از نهج‌البلاغه به عنوان منبع معرفتی در اندیشه سیاسی اسلام و سیره حضرت علی(ع) به عنوان الگوی کارگزار حکومتی در اسلام است که با روش تحلیل محتوا، در سه بعد اعتقاد، اخلاق و رفتار سیاسی استخراج و سپس تجویز می‌نماید.

۱- سبک زندگی، عقاید سیاسی و کارگزاران

عقاید سیاسی به عنوان اولین زیرمجموعه حکومتی اسلام چگونه با سبک زندگی ارتباط برقرار می‌کند؟ عقاید در محورهای توحید و خداشناسی، جهان (هستی) شناسی، انسان‌شناسی تفسیر شده و در ذیل آن نیز به جهان دیگر و رابطه آن با سبک زندگی توجه می‌شود. شاخص‌های اعتقادی سبک زندگی کارگزاران را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

۱-۱ سبک زندگی در پرتو معنای زندگی: رابطه زندگی دنیوی و اخروی تابع معنای زندگی است. در مکتب توحیدی سبک زندگی فرد معنای متعالی تری پیدا کرده و آخرت را نیز شامل می‌شود. حضرت به امام حسن(ع) فرمود: «وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا»؛ «ای پسر! تو تنها برای آخرت خلق شده‌ای؛ نه برای دنیا» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۳۱، ۹۲۶)؛ و نیز فرمودند: «فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا»؛ «دنیا به عنوان سرای ماندگاری شما آفریده نشده است بلکه گذرگاهی است تا کارهای شایسته را زاد راه سفر به سرای ثابت بگیرید» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۳۲، ۴۰۹). معنادار بودن زندگی انسان، سبک زندگی را هدفمند می‌کند.

۱-۲ ایمان قلبی کارگزاران: در نظام اسلامی مدیریت جامعه به کسانی واگذار می‌شود که در همه مسائل اعتقادی (اندیشه و عمل)، به وحدانیت خداوند، رسالت پیامبران و امامت ائمه

اطهار(ع) ایمان کامل داشته باشد. این گونه انسان‌ها با عناوینی چون صالحان، متقین و نیکوکاران در مسند زمامداری قرار می‌گیرند. در قرآن نیز مبنای عمل انسان ایمان در زندگی است (انعام، ۸۲)، (انبیاء، ۱۰۵). مدیریت جامعه اسلامی بدون ایمان راسخ، انسان را از مسیر خدمت‌گزاری به مردم به سمت دنیاگرایی، خودشیفتگی، استبداد و ... سوق داده و تأثیرات منفی بر پیکره جامعه می‌گذارد.

در دیدگاه علی(ع) استواری انسان به ایمان اوست. «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبِّ شَعَلٍ التَّفَكُّرُ قَلْبُهُ»؛ «ای بندگان خدا از خدا مانند ترسیدن خردمندی که اندیشه، دل او را مشغول کرده بترسید» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۸۲، ۱۹۲).

۳-۱- خداباوری در حکومت: آنچه که بعد از ایمان راسخ به خدا در زندگی او مؤثر است باور به خدا و او را در صحنه زندگی حاضر دانستن است. به طوری که مصداق «لا مؤثر فی الوجود الا الله» در زندگی او تجلی یابد و خود را همیشه در محضر خدا بداند. نکته مهم در سیره و گفتار حضرت علی(ع) اعتقاد و باور قلبی به خدا و زندگی در سایه خداباوری است. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «وَمِنْهَا قَدَرٌ مَا خَلَقَ فَأَحْكَمَ تَقْدِيرَهُ وَدَبَّرَهُ فَالْطَفَ تَدْبِيرَهُ وَوَجَّهَهُ لَوَجْهَتِهِ فَلَمْ يَتَعَدَّ خُلُودَ مَنْزِلَتِهِ. از صفات خداوند است که هر چه آفرید، برای او اندازه و مقداری معین کرد و آن را نیک استوار نمود و به لطف خویش منظم ساخت و به سوی کمال وجودش متوجه کرد تا از حد خود تجاوز نکند» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۹۰، ۲۴۰).

۴-۱- حسن ظن به خدا: حسن ظن به خدا، از لوازم ایمان بلکه حقیقت ایمان است و ریشه در معرفت و ایمان انسان دارد. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «الثَّقَّةُ بِاللَّهِ وَحَسَنُ الظَّنِّ بِهِ حِصْنٌ لَأَنْ يَتَخَصَّنُ بِهِ إِذَا كَلَّ الْمُؤْمِنُ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۴۳۳)؛ اعتماد و حسن ظن به خدا قلعه محکمی است که جز بنده مؤمن کسی در آن پناه نمی‌گیرد». سوءظن زیاد موجب ویرانی جامعه و بدبختی انسان‌ها و تشتت کارها شده و حسن ظن مایه آرامش و وحدت است. حسن ظن به خدا فقط جنبه امیدواری نیست، بلکه مرکب از امید و بیم است. کارگزاران نظام به‌عنوان رهبران جامعه اسلامی و برای اصلاح امور مردم باید در امور مادی و معنوی به خدا حسن ظن و امیدواری داشته باشند.

۵-۱- هدفمندی جهان هستی (طبیعت): طبیعت و دنیا آن‌چنان خلق و تدبیر شده که منافع و نیازهای انسان را در دل خود جای داده و نسبت به نیازهای انسان بیگانه نیست. انسان نیز نباید نگرشی داشته باشد که طبیعت را همانند دژی تسخیرناپذیر و مقاوم ببیند. در دیدگاه امام

همه چیز در جهان هستی هدف‌دار آفریده شده است: «آگاه باشید زمینی که شما را بر روی خود نگاه داشته و آسمانی که شما را در سایه‌اش قرار داده فرمان‌بردار پروردگارند. ... مأمورند که سودها به شما برسانند و اطاعت امر کرده، برای انجام مصالح شما قیام نموده‌اند» (فیض-الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۴۳، ۴۳۳).

۱-۶- زهد و پارسایی: زهد یا پارسایی معنای متفاوتی با ساده زیستی دارد. زهد به معنای بی میلی و بی رغبتی به دنیا بوده و ارزش انسانی است. زهد به معنای بی میلی، بی رغبتی ترک و پشت کردن به چیزی است (ابوالعباس، ۱۴۲۵ق: ۲۵۷). علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَيَّ اللَّهُ أَنَّهُ لَا يُعْصِي إِلَّا فِيهَا وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا. خواری دنیا نزد خدا آن است که او را در دنیا معصیت کنند و به او در دوری از دنیا نزدیک شوند» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۳۷۷، ۱۲۶۹).

امام علی (ع) به عنوان اسوه و پیشوای زهد در تاریخ بشریت می‌فرماید: سبک‌بار باشید تا به مقصد برسید. بی میلی به دنیا برای هرکسی خوب است اما برای رهبران جامعه اسلامی که در معرض دستیابی به تمتعات دنیایی و افتادن در دام دنیا و وسوسه‌های شیطانی هستند ضروری است.

۱-۷- حسن ظن به دیگران: حضرت علی (ع) علی‌رغم همه دشمنی‌ها بیشترین حسن ظن را به مردم داشت. به مالک می‌فرماید: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بَادَعَىٰ إِلَىٰ حُسْنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرَعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ بدان که برای خوش‌بینی حاکم نسبت به رعیت، چیزی بهتر از نیکوئی و بخشش او به ایشان و سبک گردانیدن هزینه‌های آن‌ها و رنجش نداشتن از آنان بر چیزی که حقی به آن‌ها ندارد نیست» (همان، نامه ۵۳، ۱۰۰۱).

در اندیشه سیاسی اسلام خوش‌گمانی نسبت به دیگران باعث آسودگی خاطر و آرامش در مدیریت جامعه می‌شود. مسئولانی که از ناحیه مردم خیالشان راحت نباشد نمی‌توانند به وظیفه اصلی خود عمل نمایند. بر اساس فرمایش حضرت امیر کارگزاران باید با عملکرد عالی و نیکو به مردم، دفع مشقت‌ها و رنج مردم و... حسن ظن خود را در مردم و بالعکس ایجاد نمایند.

۱-۸- امانت دانستن مسئولیت: در سیاست اسلامی دولت و مدیریت جامعه اسلامی یک امانت بزرگ محسوب می‌شود که هرکسی نمی‌تواند بار سنگین این امانت را به دوش بکشد مگر کسانی که به مسند قدرت به چشم امانت نگاه کنند. امین بودن پیامبر اسلام (ص) قبل از پیامبری، امر پذیرش رسالت را در برابر پیامبر آسان کرد.

در جریان برخورد حضرت موسی با حضرت شعیب، دختر شعیب به پدرش گفت: این جوان امین را به خدمت اجیر کن زیرا که او در کارش قوی و امین است (قصص، ۲۶). امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان می‌فرماید «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُقْبِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ. ریاستی که به تو واگذار شده، امانتی است که بر گردنت گذارده شده و تو نگهبان امانتی هستی که بر عهده گرفته‌ای» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵، ۸۳۹).

۹-۱- رعایت کرامت انسان‌ها و احترام به حقوق دیگران: در سیاست اسلامی هر فرد در جامعه، کرامت و حقوقی دارد و تجاوز به آزادی و حقوق افراد، ظلم به حساب می‌آید. کرامت به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. آنجا که حضرت می‌فرماید: مردم «اخ لک فی الدین» هستند، کرامت اکتسابی است و «نظیر لک فی الخلق» که اشاره به کرامت ذاتی است.

امام علی کارگزاران خود را به رعایت حقوق انسان‌ها سفارش می‌کند: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ مبدا نسبت به مردم جانور درنده بوده خوردنشان را غنیمت دانی که آنان دو دسته‌اند: یا با تو برادر دینی‌اند یا در آفرینش مانند تو هستند ... پس با بخشش و گذشت خود آنان را عفو کن همان‌طور که دوست داری خدا با بخشش و گذشتش تو را بیامرزد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۹۹۳).

ایشان درباره زیر پا گذاشتن مظلوم هشدار می‌دهد: «يَوْمَ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ. روز انتقام مظلوم از ظالم، شدیدتر از روز ستم کردن ظالم بر مظلوم است» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۲۳۳، ۱۲۴۶)؛ بنابراین کارگزاران نظام اسلامی نیز باید همواره در مقابل ظالم و ظلم قیام کرده و اجازه تعدی و گسترش ظلم در جامعه را ندهند.

۲- سبک زندگی، اخلاق سیاسی و کارگزاران

ارزش‌ها و اخلاق اسلامی دروازه ورود انسان به سرزمین اعمال انسانی است. کارگزاران نظام اسلامی به عنوان هادیان و الگوهای جامعه باید از جهات مختلف اخلاقی، انسانی وارسته و مهذب باشند. مجموعه اخلاق سیاسی مثل؛ عدالت و شجاعت، شرح صدر، رأفت و رحمت، احسان و عدل و وفا، گذشت و ایثار، نظم و التزام به قانون، دوری از دروغ و فخرفروشی، عیب‌جویی و منت‌گذاری، خشم و غرور و انتقام‌جویی و... همگی برای کارگزار از واجبات است.

۱-۲- تقوا، پرهیزکاری و خودسازی کارگزاران: تقوای سیاسی یعنی آمادگی کامل سیاستمدار برای کسب معلومات و تجربیات و بهره‌برداری از استعدادهاى موجود برای رساندن جامعه به کمال مطلوب با رعایت تقوای الهی در همه مراحل فکری و اجرایی (میرتاج‌الدینی، ۱۳۷۶: ۳۸).

حضرت علی(ع) پنج دستور اصلی در خصوص اصلاح نفس والی و خودسازی او می‌دهد. «أَمْرُهُ بِنَقْوَى اللَّهِ وَإِيْتَابِ طَاعَتِهِ وَاتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۹۹۱). حضرت فرمود: آنان زبان خویش در بند کرده سخن جز به صواب نمی‌گویند و از بیهوده‌گویی می‌پرهیزند. با دیگران، کلامی نرم و توأم با ادب دارند، صدایشان را بلند نمی‌کنند و... (فیض الاسلام، ۱۳۶۶: ۶۱۸-۶۱۱). در نگاه حضرت کارگزاران قبل از اصلاح جامعه باید خود را ساخته باشند. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُبَدَأَ بِنَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ... هر کس خود را پیشوای مردم کرد باید قبل از آموختن به دیگران به تعلیم نفس خویش پردازد... (همان، حکمت ۷۰، ۱۱۱۷).

۲-۲ - خدامحوری در زندگی و سیاست: در کلام و عمل حضرت علی(ع)، خدا در زندگی فردی و صحنه سیاست حضور دارد: «عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ...». خداوند در نظر آنان بزرگ و غیر او در دیده آن‌ها کوچک است... (فیض الاسلام، ۱۳۶۶: خطبه ۱۸۴، ۶۱۱). امام در پاسخ فرماندار بصره (ابن عباس) که مقداری از بیت‌المال مسلمانان را برداشته و به مکه گریخته بود می‌نویسد: از خدا بترس و اموال آنان را بازگردان، اگر چنین نکنی تو را کیفر خواهیم کرد. سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند از من روی خوش نمی‌دیدند تا آنکه حق را از آنان بازپس ستانم» (همان، نامه ۴۱: ۹۵۷). در این نامه محور کلام امام، خدا و رضایت اوست که مدیران نیز باید چنین کنند.

۲-۳- عدالت سیاسی: عدالت علاوه بر پیشبرد اهداف الهی در جامعه و تمیز حق و باطل، سبک زندگی انسان را تغییر می‌دهد؛ البته کسی که به عدالت رفتار کند. گویاترین آیه در مورد عدالت آیه ۲۵ سوره حدید است.

اساس حکومت حضرت بر عدالت بنا نهاده شد. سبک زندگی او هم به‌جز عدالت نبود. او هیچ ملاکی اعم از عرب بودن یا از تبار خلیفه یا اهل مکه و مدینه بودن یا سبقت در اسلام و شمشیر زدن در جنگ‌ها همراه پیامبر(ص) یا از قبیله قریش بودن و ... را ملاک برتری نمی‌دانست و معتقد بود این عوامل باعث آن نمی‌شود که بیت‌المال به‌صورت نابرابر میان آنان

تقسیم گردد (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۷، ۴۲-۴۱). اوج عدالت امام مربوط به برخوردشان با عقیل است (برای مطالعه نک: فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۲۱۵، ۷۱۳).

۲-۴- پرهیز از تجملات، تشریفات و لذت‌گرایی: یکی از ابتلائات کارگزاران، گرایش به تجملات و تشریفات است. امام خمینی (ره) بر دوری مسئولان از تجمل‌گرایی تأکید دارند: «مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند از این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان جامعه، در پی این هستند که ثروتشان را زیاد کنند» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶/۱۳۷۸: ج ۱۶، ۴۴۳). علی (ع) عثمان بن حنیف استاندار بصره را به خاطر شرکت در مجلس ثروتمندان مذمت می‌کند: «امام و رهبر شما از دنیا به یک جامه و از غذا به دو قرص نان اکتفا کرده است. اگر بخواهم می‌توانم غذای خویش را از عسل مصفی و مغز گندم و لباس خویش را از ابریشم قرار دهم... چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند در صورتی که شاید در حجاز یا یمامه افرادی باشند که امید همین قرص نان را هم ندارند...» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۴۵، ۹۶۶).

۲-۵- تواضع و فروتنی سیاسی: بر اساس اندیشه سیاسی اسلام خصلت فروتنی از همه مردم پسندیده و از رهبران جامعه اسلامی پسندیده‌تر است. حضرت به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «وَاحْفِظْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ...»؛ «و برای رعیت بالت را فرود آور، و رؤیت را بگشا، و پهلویت را نرم کن» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۴۶، ۹۷۶). در دیدگاه امام علی موقعیت کارگزار نظام اسلامی نباید سبب شود تا در مقابل مردم و دیگران مغرور شده و تواضع نکند.

رسول خدا می‌فرماید: «من تواضع لله رفعه الله ومن تكبر خفضه الله. هر کس به خاطر خدا برای مردم تواضع نماید، خداوند نیز رفعت و محبت او را در نزد مردم زیاد می‌کند...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۲۶).

۲-۶- بهره‌گیری از روش درست در سیاست: کارگزار نظام اسلامی نمی‌تواند از روش‌های نادرست بهره‌برد. همان‌طور که حضرت در سخت‌ترین شرایط مثل، ماجرای انتخاب خلیفه سوم علیرغم وجود زمینه کافی برای رسیدن به خلافت از ابزار نادرست استفاده نکرد و خلافت به عثمان رسید. ایشان می‌فرمایند: «مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ الْإِثْمِ بِهِ وَالْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ. کسی که به وسیله گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با شر و ستم چیره گردد در واقع شکست خورده است» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۳۱۹: ۱۲۴۱).

امام در تفاوت سیاست خود با معاویه می‌فرماید: «معاویه از من زیرک‌تر نیست، اما او خیانت و معصیت می‌نماید. اگر مکر نکوهیده نبود من زیرک‌ترین مردم بودم، ولی هر مگری گناه و هر گناهی نافرمانی است» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۹۱، ۶۴۹).

در دیدگاه علی(ع) حکومت زمانی اعتبار دارد که وسیله تحقق اهداف الهی و انسانی، برپایی عدالت و رفاقت همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹، ۹۰-۸۸).

۲-۷ - **حیاء و عفت سیاسی:** شرط ضروری برای یک کارگزار خوب، داشتن حیاء و عفت است تا حریم و شئون مردم، جامعه و محیط پیرامون را رعایت کند. حضرت علی(ع) حیاء، عفت و حریم‌داری را به مثابه ایمان و بلکه بالاتر از آن دانسته‌اند. «لا ایمان کالحیاء» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۱۰۹، ۱۱۳۹). در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ». هر کس حیاءش کم باشد، پارسایی درون او کم می‌شود» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۳۴۱، ۱۲۴۹).

حضرت به توأم بودن حیاء و عفت اشاره می‌فرماید: «عفت و پاکدامنی هر شخص به میزان حیاء اوست و این دو رابطه مستقیم با هم دارند. علی قدر الحیاء تکنون العفء» (خوانساری، ۱۳۶۰، ۳۲۶).

۲-۸ - **انتقادپذیری و پرهیز از چاپلوسان در اداره جامعه:** در سیره سیاسی علی(ع) راه انتقاد و نصیحت باز بود. در حاکمیت اگرچه از خطا دور بوده اما همیشه برای انتقادپذیری آماده بود. هیچ‌وقت تحت تأثیر مداحی ستایشگران و چاپلوسان قرار نگرفته و خودشیفته نمی‌شد. می‌فرمایند: «با من سخنانی که با گردنکشان گفته می‌شود نگویند و آنچه را از حاکمان خشمگین پنهان می‌نمایید از من پنهان ننمایید. به مدارا و چاپلوسی با من سخن نگویند...» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۲۰۷، ۶۸۷). «فَاعِينُونِي بِمُنَاصِحَةٍ خَلِيَّةٍ مِنَ الْعُشِّ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ». پس مرا با خیرخواهی خالصانه و عاری از هرگونه شک و ناراستی یاری کنید» (همان، خطبه ۱۱۷، ۳۶۷). مدیر انتقادپذیر به نظر نخبگان و مردم احترام گذاشته و قبل از دفاع از همفکران خود به نقد منتقدان توجه می‌نماید.

۲-۹ - **اعتدال و میانه‌روی در حکومت:** قرآن امت اسلام را امت میانه معرفی می‌کند. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...» (بقره: ۱۴۳)؛ یعنی امتی که در باور و کردار خود نه افراط و نه تفریط می‌کند، بلکه حد وسط دنیا و آخرت، جسم و روح و طبیعت و ماورای طبیعت را

انتخاب می‌کنند و در این طریق سالک الی الله هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۱۹). امام علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعَمَّهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعَهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ». کاری که باید بیشتر دوست داشته باشی میانه‌روی در حق است، و همگانی کردن آن در برابری و دادگری که بیشتر سبب خوشنودی رعیت می‌گردد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۹۹۶). اندیشه اجتماعی امام علی (ع) مبتنی بر اصل اعتدال است: «الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْبِجَادَةُ...» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۶، ۶۹). اعتدال در حکومت به معنای شعار دادن و مطرح کردن نمادین اعتدال نیست بلکه باید در منش کارگزاران دیده شود.

۱۰-۲- خوش‌رویی، مهربانی و محبت‌ورزی: حضرت علی الگوی عملی مسلمانان در محبت‌ورزی و حسن خلق در حکومت‌داری است. در فرمانش به مالک می‌فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ». ای مالک رحمت و محبت و لطف بر رعیت را شعار قلبت قرار بده و به قلبت بچسبان» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۹۹۱). حضرت به محمد بن ابی بکر چنین فرمود: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَأَبْسِطْ لَهُمْ وَجْهَكَ...» . بالت را برای مردم بگستران و پهلویت را برایشان هموار دار و با آنان گشاده‌رو باش...» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه، ۲۷، ۸۸۶).

امام علی (ع) خوش‌رویی را تا آن اندازه مهم می‌داند که از آن به‌عنوان رأس سیاست یاد می‌کند (آمدی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۳۷۱) و از مهرورزی و خوش‌خلقی نیز با عنوان بهترین سیاست یاد می‌کند (آمدی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۲۹۴).

۱۱-۲- مردمی بودن و مردم‌گرایی در حکومت: حکومت بدون مشارکت مردم همانند کیبوتر بال شکسته است که به هدف نمی‌رسد. اگر کارگزاری پایگاه مردمی خود را از دست داد، در ایفای مسئولیت خود موفق نخواهد بود. حضرت همواره کارگزاران را به ارتباط با مردم توصیه می‌کند. او در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: «فَلَا تَطْوَلَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رِعْيَتِكَ فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَاءِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيقِ...» . مبادا مدت طولانی از مردم فاصله بگیری، زیرا احتجاب حکام از مردم خود نوعی تنگنا و باعث بی‌اطلاعی از حقایق است...» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۱۰۲۴).

توجه به مردم و ارتباط مستمر با آنان باعث افزایش سرمایه اجتماعی نظام و پشتوانه مردمی آن می‌شود.

۱۲-۲- مدارا و انعطاف‌پذیری سیاسی: مدارا کردن با مردم بیشتر از همه متوجه کارگزاران است. حضرت علی‌الکوی عملی و نظری مدارا در زندگی و گفتار است. می‌فرماید: نعم السیاسة الرفق. بهترین سیاست به کار گرفتن رفق است (آمدی، ۱۳۸۱: ۴۴۱). نمونه مدارای حضرت را می‌توان در برخورد با سپاهیان جمل پس از جنگ و برخورد با خوارج و سپاهیان نهروان بیان کرد (رشاد، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۴). نکته مهم در مدارا کردن، عدم مدارا در اصول دین است. ایشان می‌فرمایند: به جانم سوگند که در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی غوطه‌ورند لحظه‌ای مدارا و سستی نمی‌کنم (رشاد، ۱۳۸۰: ۳۶).

۱۳-۲- سعه‌صدر در حکومت: به معنای باحوصلگی، گشادگی نظر و همت بلند از صفات ضروری کارگزاران است. هر چقدر مسئولیت سنگین‌تر باشد، به همان اندازه میزان تحمل و سعه‌صدر نیز باید بیشتر باشد. از دیدگاه حضرت، ابزار ریاست و رمز موفقیت کارگزاران سعه‌صدر است: «آلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۱۶۷، ۱۱۶۹). امام علی(ع) به حارث همدانی فرمود: «وَأكْظِمِ الغَيْظَ وَتَجَاوَزْ عِنْدَ الْمُقَدَّرَةِ وَاحْلَمْ عِنْدَ الغَضَبِ؛ خشم را فرو نشان و هنگام توانائی بگذر و هنگام تندخویی بردبار باش» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۶۹، ۱۰۶۷)؛ و به مالک فرمود: «ثُمَّ احْتَمِلِ الخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ وَتَحَّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَاللَّانْفَ يَسْطُرِ اللّهُ عَلَيْكَ؛ تندخویی آن‌ها را در سخن گفتن تحمل کن و دل‌تنگی و کبر و نخوت را از خود دور ساز که این کار رحمت الهی را به سویت روانه می‌سازد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۱۰۱۹).

۱۴-۲- اخلاص در عمل کارگزاران: حضرت کار را فقط برای رضای خدا و بدون انگیزه شخصی و نفسانی انجام می‌داد. زهد و بی‌اعتنایی و بی‌رغبتی او نسبت به شهوات و زخارف دنیایی، فداکاری او در میدان‌های مختلف، عبادت، عدل و دادگری و رأفت آن بزرگوار، پیش‌قدمی او و همه صفات نیک در سایه اخلاص و صفای وجودی او بود. حضرت درباره اخلاص خود در راه خدا فرمود: «فَلَمَّا رَأَى اللّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكُتُبَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النُّصْرَ؛ وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز کرد. بعد می‌فرماید: اگر این‌طور نبود، این کارها انجام نمی‌شد. یک شاخه ایمان سبز نمی‌شد و یک پایه دین بر سر پا نمی‌ماند. به برکت اخلاص مسلمین، این پیشرفت‌ها انجام شد و جامعه اسلامی پدید آمد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۵۵، ۱۴۴).

۱۵-۲- وظیفه کارگزاران در اقامه حق و دفع باطل: امیرالمؤمنین هدف از تشکیل حکومت را برپایی حق و دفع باطل می‌داند. کارگزاران خود را برای زنده نگه‌داشتن آن امر می‌کند: «إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ كَانَ الْعَمَلُ بِالْحَقِّ أَحَبَّ إِلَيْهِ وَإِنْ نَقَصَهُ وَكَرَّهَهُ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنْ جَرَّ إِلَيْهِ فَائِدَةٌ وَزَادَهُ. برترین مردم نزد خدا کسی است که عمل به حق را بیشتر از باطل دوست داشته باشد اگرچه حق به او زیان رسانده و اندوهگینش نماید و باطل سود داشته و بهره‌مندش سازد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۲۵، ۳۸۷). حضرت ارزش‌گذاری به دنیا و حکومت را در گرو اقامه حق و دفع باطل قلمداد می‌نماید. ایشان قبل از جنگ جمل درحالی که مشغول دوختن کفش خود بود به ابن عباس می‌گوید: «سوگند به خدا این کفش نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوب‌تر است، مگر آنکه حقی را برپا سازم و باطلی را دفع نمایم» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۳۳، ۱۱۱).

۳- سبک زندگی، فقه سیاسی و کارگزاران

فقه (احکام) سیاسی به‌عنوان بعد سوم زندگی کارگزاران در رفتار و کنش ظهور یافته و چارچوب سبک زندگی او را عینیت می‌بخشد. سؤالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که: چه رفتار و اعمالی باید در زندگی فردی و مدیریتی یک حاکم در نظام مردم‌سالاری دینی رعایت شود تا سبک زندگی او منطبق با اسلام حقیقی باشد.

۳-۱- کار و تلاش و درآمد مشروع سیاسی: امیرالمؤمنین (ع) در زمان حکومت و قبل از آن شخصاً کار می‌کرد. با کلنگ زمین می‌کند و آن را آبیاری می‌کرد و بارهای هسته خرما را روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین می‌فشاند (برقعی قمی، ۱۳۷۹: ۵۵). در اندیشه و مرام امام کار از تقدس و احترام خاص برخوردار است: «پادشاه هرکس در قبال کاری است که انجام می‌دهد علی‌یاد هر کسی است که کار می‌کند و دشمن آن کسی است که به گدایی می‌پردازد» (جرdaq، ۱۳۷۶: ۲۳۵). فعالیت‌های اقتصادی، عمرانی و معیشتی حضرت در دوران خلافت چنان با برنامه‌ریزی و تحرک و تلاش مداوم بود که بیشترین بهره‌دهی را در کنار کمترین هزینه به همراه داشته است.

۳-۲- کمک به محرومان و یاری نیازمندان: ویژگی بارز حضرت در حکومت توجه و کمک به نیازمندان بود؛ «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹). این آیه هنگامی نازل شد که امام (ع) گرسنه‌ای را که بر پیامبر

وارد شده بود، به منزل خود برد و غذای خود را، به او دادند و خودشان گرسنه خوابیدند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۵۲۸).

آیه ولایت هنگامی نازل گردید که علی(ع) در حال رکوع، انگشتی خویش را به نیازمندی انفاق می‌کند. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ۲۲).

امیر مؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «خداوند سبحان در دارائی توانگران روزی بی‌چیزان را واجب گردانیده پس بی‌چیز گرسنه نماند مگر به سبب آنچه توانگری به او نداده است و خداوند، ایشان را از این کار مؤاخذه و بازپرسی می‌نماید (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۳۲۰، ۱۲۴۲). این فراز تکلیف کارگزاران را در برقراری عدالت اجتماعی و توزیع صحیح ثروت و مطالبه اموال اضافی ثروتمندان مضاعف می‌نماید تا قشر ضعیف از ثروت‌های عمومی بهره‌مند گردند.

۳-۳- وفای به عهد و عمل به وعده در حکومت: آیات قرآن (المائده: ۱، الاسراء: ۳۴) و سفارشات معصومین(ع) حاکی از آن است که وفای به عهد، از شرایط اساسی ایمان بوده و در مسئولیت‌های اجتماعی واجب است. هیچ عاملی به اندازه عهدشکنی و خلف وعده در برابر مردم نمی‌تواند به اعتبار کارگزاران لطمه وارد نماید. حضرت به مالک اشتر می‌نویسد: «عهد و پیمانی مبند که مجبور شوی با خدعه و فریب آن را به پایان برسانی. پس از استواری پیمان سخنان دوپهلوی به کار نبر. هنگامی که موظف هستی به عهده وفا کنی به شکستن آن اقدام مکن» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۱۰۲۸).

۳-۴- ساده‌زیستی و قناعت: ساده‌زیستی و قناعت یکی از ارزش‌های پذیرفته‌شده مکتب انبیاء است؛ از این رو رهبران الهی ساده‌زندگی می‌کردند و دیگران را نیز به این اصل مهم دعوت می‌کردند. حضرت علی(ع) مجسمه و مظهر ساده‌زیستی است. می‌فرماید: «لَأَرْوِضَنَّ نَفْسِي رِيَاضَةً تَهْشُ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ مَطْعُومًا وَ تَقْنَعُ بِالْمِلْحِ مَأْدُومًا. نفس خود را چنان تربیت می‌کنم که به قرص نانی شاد و شکفته گردد و در خورش به نمک قناعت کرده و بسازد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۹۷۳، ۴۵).

مدیری که ساده‌زیستی نیست، نسبت به تبعیض، ظلم و تعدی، فقر و بیچارگی مردم بی‌تفاوت و احساس همدردی و همدلی را از دست می‌دهد. چنین شخصی، ملاک فضیلت دیگران را بر خورداری‌های دنیوی می‌داند.

۳-۵ - پیشگامی و ازخودگذشتگی در حاکمیت: پیشگامی و ازخودگذشتگی حضرت علی در پذیرش دین، یاری رسول خدا، همراهی پیامبر(ص) در تمام جنگ‌ها، غزوات و تمام عرصه‌های خطر و خطرپذیری، مثل لیلۃ‌المبیت و ده‌ها نمونه دیگر نشان از زندگی سرتاسر از عشق به خداوند متعال دارد که به‌عنوان سرمشق مسلمانان و الگوی سیاستمداران و کارگزاران جامعه اسلامی است. قرآن درباره فداکاری حضرت در لیلۃ‌المبیت می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ» (بقره، ۲۰۷). این فداکاری را کسی جز علی(ع) نمی‌تواند انجام دهد و در تاریخ جاودانه شد (پیشوایی، ۱۳۷۹، ۴۰-۳۷).

۳-۶ - قانونمندی و قانون‌گرایی کارگزاران: در سیره حکومتی امام علی(ع) حاکم و مردم در برابر قانون مساوی هستند. اگر کسی با بی‌قانونی عمل می‌کرد بدون رعایت مقام و موقعیت او، حدود الهی را اجرا می‌کرد. ایشان بعد از اینکه یک افسر ارتش که از مقام خویش در مقابل قانون سوءاستفاده و مردم را تهدید می‌کرد، نامه‌ای به اهالی مسیر حرکت سپاه نوشت و گفت شکایات خود را پیش من آورید که من به کمک خداوند، آن را تغییر می‌دهم (فیض-الاسلام، ۱۳۶۶، ۶۰، ۱۰۴۵).

ایشان کارگزاران متعددی را به خاطر تخطی از قانون عزل کرد و آن‌ها را مجازات کرد که در میان آن‌ها برخی نیز از خویشاوندان امام بودند. در نامه‌ای به مصقله که حاکم اردشیر خره از شهرهای فارس بود او را به علت اینکه اموالی را که به دستش می‌رسید بین خویشاوندان خود تقسیم می‌کرد مورد سرزنش و عتاب قرار داد (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۴۳، ۹۶۱). کارگزار مجری قانون الهی نباید مرتکب بی‌قانونی شود. چون رعایت قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است.

۳-۷ - مشورت و همفکری در حکومت: یکی از اصول مهم در سیره سیاسی کارگزاران نظام مردم‌سالاری دینی مشاوره و همفکری با همکاران، مسئولین و نخبگان و اندیشمندان و ... است. قرآن در عین سفارش به مشورت جدیت و قاطعیت را نیز از پیامبر می‌خواهد تا پیام و سرمشق عملی برای همه زمامداران جامعه اسلامی باشد (آل‌عمران، ۱۵۹). امام علی(ع) فرمود: «وَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا؛ هر که خودرایی نمود تباه گشت و هر که با دیگران شور نماید با خرده‌هایشان شرکت می‌کند (فیض-الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۵۲، ۱۱۶۵).

ایشان مشورت را بزرگ‌ترین پشتیبان می‌دانند که راه‌های سعادت و کمال را هموار می‌کند «أَلَا غَنِي كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ. هیچ بی‌نیازی همانند عقل، هیچ نداری مانند نادانی، هیچ ارثی ارزشمندتر از ادب خانوادگی و هیچ پشتیبانی همانند

مشورت نیست» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۵۱، ۱۱۱۲).

۸-۳- نظم در کارها و تنظیم وقت: نظم در کارها از مصادیق مسئولیت‌پذیری است. امیرالمؤمنین به‌عنوان اسوه نظم، توصیه‌های بسیاری برای کارگزاران دارد. او در وصیت خود به امام حسن (ع) می‌فرماید: «أوصيكمَا وَجَمِيعَ وَكَلْدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَّاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ؛ شما و فرزندان و اهل بیتم و هر کسی که نامه‌ام به او می‌رسد به تقوا و ترس از خدا، نظم در کارتان و اصلاح امورتان سفارش می‌کنم» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۴۷، ۹۷۷).

حضرت در مدیریت سیاسی - اجتماعی جامعه همه مدیران و کارگزاران را نیز به نظم و انضباط و تنظیم وقت توصیه می‌کردند. ایشان در نامه خود به مالک می‌نویسند که: «وَأَمُصْ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ وَاجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِيتِ» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۱۰۱۹).

۹-۳- استقامت و پایداری در مسئولیت: بسیاری از مدیران در شرایط عادی مدیران خوبی به نظر می‌رسند اما به محض خارج شدن کارها از مسیر عادی و به هم خوردن شرایط طبیعی، توان اداره محیط خود را از دست می‌دهند. امام علی (ع) به مالک می‌فرماید: «اولاً بزرگی کارها او را ناتوان ننماید و ثانیاً زیادی کارها او را رنجور و پریشان نکند» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۱۰۱۶). حضرت به فرماندار خود در مکه (قثم بن عباس) تذکر می‌دهد: «فَأَقِمْ عَلَيَّ مَا فِي يَدَيْكَ... وَإِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدِرُ مِنْهُ وَلَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ بَطْرًا وَلَا عِنْدَ الْبُؤْسَاءِ فَشَلًّا. بر آنچه در دست تو است (حکومت مکه) پایداری و ایستادگی کن... هنگام خوشی‌ها زیاد شادمان و هنگام سختی‌ها هراسان و دل‌باخته مباش» (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۳۳، ۹۴۲).

پس از انتصاب محمد بن ابوبکر نیز با وجود اینکه حضرت علاقه وافری به او داشت ولی چون از عهده مسئولیت بر نمی‌آمد مالک اشتر را به جای او منصوب کرد (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۳۴، ۹۴۳)؛ بنابراین یکی از ویژگی‌های اصلی مدیریت، داشتن قدرت مدیریت، ایستادگی و پایداری در مدیریت به هنگام مشکلات و بحران‌ها است.

۱۰-۳- انجام فرائض، واجبات و مستحبات: انجام فرائض عبادی و اعمال مستحب برای حفظ روحیه کارگزار حکومتی بسیار مهم است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ عبادت یک مسئول در کنار خدمت به مردم ثواب مضاعفی دارد. تَلَمَّيْ نَهْجَ الْبَلَاغَةِ مِنْ عِبَادَتِ اللَّهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي نَفَعَكُمْ بِمَوْعِظَتِهِ وَوَعَّظَكُمْ بِرِسَالَتِهِ

وَأَمِّنْ عَلَىٰكُمْ بِنِعْمَتِهِ فَعَبُدُوا أَنْفُسَكُمْ لِعِبَادَتِهِ وَآخِرُجُوا إِلَيْهِ مِنْ حَقِّ طَاعَتِهِ؛ بترسید از خدائی که شما را به بند خود بهره‌مند فرمود و شما را به دستور خویش اندرز داد و به نعمتش بر شما منت نهاد، پس برای عبادت و بندگی اش نفس‌های خود را رام و خوار نمایید و حق فرمان‌بری از او را بجا آورید (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۸۹، ۶۳۶).

۱۱-۳- عدم استبداد و خودکامگی در حکومت: لازمه هر نوع مسئولیت و مدیریت، نفی هرگونه استبداد و خودکامگی است. امام علی(ع)، سلطنت و قدرت سیاسی و اجرایی را در صورتی که به همراه خودسازی معنوی نباشد، عامل پیدایش استبداد و هلاکت و تباهی می‌داند. به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان چنین فرمود: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّةٍ حَقَّ نَدَارِي فِي بَيْنِ مَرْدَمٍ بِه استبداد عمل نمایی» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵، ۸۳۹). این ویژگی منفی در مدیران و کارگزاران بیش از سایر افراد به نظام اجتماعی و مناسبات اخلاقی تأثیر می‌گذارد. امام علی(ع) به مالک اشتر فرمود: «وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ فَأُطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ...»؛ «مگو من مأمورم و امر می‌کنم پس باید فرمان مرا بپذیرید و این روش سبب فساد و خرابی دل و ضعف و سستی دین و تغییر و زوال نعمت‌ها گردد...» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، نامه ۵۳، ۹۹۳).

کارگزاری که قدرت را وسیله خودکامگی و استبداد بداند، همه اصول و حقایق را پایمال می‌کند. چنین فردی به تعبیر قرآن کریم ندای «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (النازعات: ۲۴). سر می‌دهد که به هر حال من باید اطاعت شوم.

۱۲-۳- مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی سیاسی: از جمله مسئولیت‌های حاکمان اجرای دقیق قوانین، برقراری امنیت، تأمین رفاه و آسایش مردم، برطرف کردن مشکلات، جبران ضعف‌ها و کمبودها، دلگرم کردن آنان نسبت به حکومت، تلاش برای پیشرفت همه‌جانبه، دفاع از ارزش‌های مادی و معنوی، آباد کردن شهرها و بازسازی ویرانی‌ها و... است. آسیب‌های فراوانی در اثر عدم مسئولیت‌پذیری و عدم وظیفه‌شناسی کارگزاران متوجه نظام و جامعه می‌شود. حضرت به کارگزاران توصیه می‌کند که در انجام کارها و مسئولیت‌شکینا و مقاوم باشید تا مسئولیت‌ها شما را بی‌تاب ننماید: «مَنْ لَمْ يُنْجِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، حکمت ۱۸۰، ۱۱۷۳).

۱۳-۳- اطاعت و پیروی از مافوق: اطاعت از رهبر جامعه اسلامی بر همه مسلمانان و

به‌ویژه کارگزاران نظام واجب است. هر حاکمی که جمیع شرایط مدیریتی و اخلاقی را داشته باشد بدون تبعیت و پیروی زیردستان کاری نمی‌تواند از پیش ببرد. حضرت می‌فرماید: «وَلَكِنَّ لَأَ رَأَى لِمَنْ لَأَ يُطَاعُ؛ کسی که فرمانش را نمی‌برند، تدبیر ندارد» (همان، خطبه ۲۷، ۹۶). «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِلَيْعَةِ وَالصَّيْحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ»؛ «و اما حقی که من بر شما دارم باقی ماندن به بیعت است چون شما را بخوانم اجابت کنید و به آنچه به شما امر کنم اطاعت و پیروی کنید» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۳۴، ۱۱۴). اگر مدیری علاقه‌مند است زیردستانش از او اطاعت نمایند باید از مقام مافوق خود پیروی نماید. اگر این روحیه در تمامی رده‌های حکومت حکم‌فرما باشد آن نظام بالنده و قدرتمند است.

۱۴-۳- اصلاح و آبادانی سرزمین‌های اسلامی توسط کارگزاران: وظیفه اصلی کارگزاران اصلاح محیط زندگی و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. حضرت درباره پذیرش حکومت توسط خود می‌فرماید: «خدایا تو آگاهی که پذیرش مسئولیت برای این بود که آثار دین تو را بازگردانیم و در شهرهای تو اصلاح و آسایش را برقرار نمایم تا بندگان ستم‌کشیده‌ات در امن و آسودگی بوده و احکام تو که ضایع مانده جاری گردد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۱۳۱، ۴۰۷).

زیربنای فلسفی حرکت اصلاحی حضرت، اصالت آخرت و وسیله بودن دنیا است و هدف اصلی نظام اقتصادی اسلام، اصلاح آبادانی بلاد اسلامی است و رشد و توسعه مطلوب بدون عدالت محقق نخواهد شد: «بالعدل تنضاعف البرکات؛ به وسیله اقامه عدل برکات الهی چند برابر می‌شود» (حکیمی، ۱۳۷۶، ج ۶، ۳۳۲). هدف اصلی اصلاحات اقتصادی آن حضرت تحقق عدالت اقتصادی و برنامه حضرت، تصحیح بینش‌ها و منش‌ها بر اساس اسلام است.

نتیجه‌گیری

مبنای سبک زندگی کارگزاران در مکاتب انسان‌محور، روش و خواسته و علائق او است. نوعی شیء‌وارگی بر منطق زندگی در دنیای غرب به نام «سبک زندگی» حاکم است. انسان (اومانیزم) محور زندگی بوده و برای خودش دین و آیین تولید می‌کند. در این «حیات خبیثه» ترقی و توسعه محور است.

مبنای سبک زندگی کارگزاران در نظام توحیدی، خدا است. انسان از شیء‌وارگی خارج و هدف و یکپارچگی بر زندگی حاکم می‌شود. در این «حیات طیبه» انسان‌ها برای رسیدن به

زندگی جاویدان باید به رشد و تعالی برسند.

مفهوم «سبک زندگی» در گفتمان موجود با مصادیق مد، اوقات فراغت، مصرف، اقتصاد، رقابت، تکثر و تنوع، خودنمایی و رفتارهای متظاهرانه نمایان می‌شود. این نوشتار با رد نظریات جامعه‌شناسی و فرهنگی، با تکیه بر نظریه روانشناسی آدلر و نقد آن، چارچوب نظری مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام را استخراج کرد.

شاخص‌های مطلوب سبک زندگی کارگزاران از محتوای نهج‌البلاغه و سیره حضرت علی(ع) به‌عنوان الگوی نظری و عملی استخراج و دسته‌بندی شد.

گسترش ارزش‌های اسلامی در جامعه برای تمدن‌سازی اسلامی با اصلاح سبک زندگی کارگزاران امکان‌پذیر می‌یابد. تمام کسانی که در این نظام مسئولیت دارند و دل در گرو اسلام و پیشرفت جامعه اسلامی ایران و تمدن‌سازی دارند باید به سیره و گفتار حضرت علی(ع) در زمامداری جمهوری اسلامی ایران عمل نمایند تا زمینه برای ظهور حکومت عدل الهی فراهم گردد. این رویکرد موجب زمینه‌سازی برای سبک زندگی منتظرانه کارگزاران نظام می‌شود تا خود را با شرایط حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) وفق داده و سبک زندگی خود را به ویژگی‌های گفته‌شده نزدیک نمایند.

منابع

الف) فارسی

- قرآن کریم

- نهج البلاغه، سید رضی، (۱۳۶۶)، ترجمه علینقی فیض الاسلام، تجدید چاپ، تهران: انتشارات فیض الاسلام.
- مصباح الشریعه امام صادق (ع)، (۱۳۶۱)، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، چاپ اول، تهران، حجر.
- آدلر، آلفرد، (۱۳۶۱)، روانشناسی فردی، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، چاپ اول، تهران، پیشگام.
- آدلر، آلفرد، (۱۳۷۹)، شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روانشناسی، چاپ اول، ترجمه طاهره جواهرساز، تهران: رشد.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۸۱)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه مصطفی درایتی، چاپ اول، مشهد: ضریح آفتاب.
- ابن ابی الحدید، (۱۳۷۸ ق)، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابوالعباس احمد بن محمد بن علی الفیومی، (۱۴۲۵ق)، المصباح المنیر، قم: دار الهجرة، الطبعة الثانية.
- استوری، جان، (۱۳۸۹)، مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، مترجم حسین پاینده، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- الطایبی، علی (۱۳۸۲)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۹)، «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲، دانشگاه امام صادق (ع).
- برقی قمی، علی اکبر، (۱۳۷۹)، جلوه حق در سیرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، تهران: حافظ.
- بوردیو، پی.یر، (۱۳۸۱)، نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلایی، ترجمه مرتضی مردیها، چاپ دوم، تهران: نقش و نگار.
- بوردیو، پی.یر، (۱۳۹۰)، تمایز؛ نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، چاپ اول، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- پیشوایی، مهدی، (۱۳۷۹)، سیره پیشوایان، چاپ یازدهم، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

- جرداق، جرج، (۱۳۷۶)، *امام علی (ع) صدای عدالت انسانی*، ج ۱، چاپ سوم، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم: خرم.
- چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱)، «سبک زندگی و هویت اجتماعی؛ مصرف و انتخاب‌های ذوقی به‌عنوان تمایز و تشابه اجتماعی در دوره مدرنیته اخیر»، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰)، *شرح غررالحکم*، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۹)، *حکومت حکمت؛ حکومت در نهج‌البلاغه*، چاپ دوم، تهران: دریا.
- رجیبی نیا، داود، (۱۳۹۱)، *اسلام و زیبایی‌های زندگی؛ رویکردی تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی*، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رحمانی فیروزجاه، علی و سهرابی، سعدیه، (۱۳۹۲)، *سبک زندگی و دین‌داری*، چاپ اول، تهران: نگاه بینه.
- رشاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۰)، *دانشنامه امام علی (ع)*، مجموعه ده‌جلدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- زیمل، گئورگ، (۱۳۸۲)، «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، بهار، شماره ۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲)، *راه دراز گذار؛ تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران*، چاپ اول، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- فیضی، کریم، (۱۳۸۸)، *زندگی و بس*، تهران: اطلاعات، چاپ اول.
- قربانی، زین‌العابدین، (۱۳۸۶)، *منشور مملکت‌داری در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر*، چاپ اول، رشت: سلار.
- کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: جامعه المصطفی‌العالمیه.
- کاویانی، محمد، (۱۳۹۱)، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷)، *سیاست*، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، *آشنایی با علوم اسلامی*، جلد سوم: اصول فقه - فقه، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، *آشنایی با علوم اسلامی*، جلد دوم: کلام، عرفان، حکمت عملی، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۳.
- منوچهری، عباس، (۱۳۹۰)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- میرتاج‌الدینی، محمدرضا، (۱۳۷۶)، *اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام*، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- نراقی، ملااحمد، (۱۳۷۸)، *معراج السعاده*، مصحح متن حجت‌الاسلام موسوی کلانتری دامغانی، چاپ اول، تهران: پیام آزادی.
- ویلن، تورستین، (۱۳۸۳)، *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.

ب) انگلیسی

- Adler, Alfred (1956), *An Introducthon to his Psychology*, Londen and Tonbridge, Ltd, Books.
- Adler, Alfred (1929), *The Science of Living*, New York, Inc.
- Brake, M. (1980), *The Sociology of Youth Culture and Youth Subcultures*, London: Routledge.
- Miles, S. (1998), *Consumerism as a Way of Life*, London: Sage.
- *Oxford Advanced Learners' Dictionary Life Style*, (2006), Oxford: Oxford University Press.
- Sobel, Michel E. (1981), *Lifestyle and Social Structure: Concepts, Definition, and Analysis*, Academic Press.
- Weber, Max (1946), *Essays in Sociology*, Eds, H.H. Gerth and C. Wright Mills, New York, Oxford University Press, inc